

## سرمقاله

ادامه از صفحه یک ...

شرط جدیدی نیست، این سخن دقیقاً و بی کم و کاست همان موضع حضرت امام (ره) است. تاکنون امریکو بود که برای مذاکره شرط می گذاشت و اکنون این ایران است که با شرط گذاری برای آمریکا صورت مسئله را تغییر می دهد. ایشیان حتی در صورت تویه امریکا و تن دادن به شرایط ایران، بازهم مذاکره با آمریکا را امکان پذیر ندانسته‌اند؛ چرا که مذاکره مورد نظر آمریکا، مذاکره دربار صنایع موشکی ایران و عدم حضورمان در منطقه یعنی مذاکره برای افزایش تعهدات ایران است که این مسئله موردقبول ایران نیست.

**مذاکره با آمریکا؛ مسئله‌ای پر فراز و فرود**
در دوره‌هایی، مذاکره بسا آمریکا به‌عنوان یک خط قرمز و منطقه ممنوعه سیاست خارجی به شمار می‌رفت. با این حال، در مقاطعی این تابو شکسته شد؛ مذاکرات هسته‌های منجر به برجام، پایان این خط قرمز سیاست خارجی و تابوی سیاسی بود. به گونه‌ای که مذاکره با آمریکا دیگر موضوعی اساساً غیر قابل ورود و بحث نیست؛ بلکه تحت شرایطی که منافع ملی کشور تأمین شود، مذاکره ممکن و مشروع است. با خروج ترامپ از برجام، از یک سو و پیش‌نهاد مذاکره بی‌قید و شرط وی از دیگر سو، بار دیگر موضوع مذاکره با آمریکا به نقل محافل دیپلماتیک و مجامع عمومی داخلی و خارجی تبدیل شده است. به گونه‌ای که از آن به نوعی شوک سیاسی و دیپلماتیک یاد می‌کنند. شوک افزینی این پیشنهاد از آن جهت است که اولاً، آمریکا مهم‌ترین دستاورد مذاکراتی خود با ایران پس از انقلاب اسلامی، یعنی برجام را نقض و لغو کرده است. ثانیاً، وزیر امور خارجه خود با ایران پس از آن‌های را برای توافق و مذاکره بسا ایران اعلام کرد که بیشتر یک تسلیم‌نامه بود. ثالثاً، ترامپ، پس از به‌اوج رسیدن تهدید متقابل ایران و آمریکا پیشنهاد مذاکره را ارائه کرده‌است. محافل رسمی و غیررسمی ایران بر منبای منطقی مطلق انگاری همه یا هیچ دو واکنش کاملاً متضاد به پیشنهاد مذاکره با آمریکا این نشان دادند. گروهی از این پیشنهادها استقبال به پر شور و بی‌قید و شرط کردند. به نظر آنان، ایران نیز باید بدون هیچ پیش شرط به این پیشنهاد پاسخ مثبت بدهد و بی‌درنگ با ترامپ وارد مذاکره شود. گروه دیگر، بر عکس هرگونه مذاکره با ترامپ را رد کردند و آن را ناممکن دانستند. اما به دور از هرگونه پیشداوری و به جای نفی یا قبول مطلق مذاکره با آمریکا باید بررسی کرد که آیا مذاکره با ترامپ در شرایط فعلی با معیارها و اصول مذاکره دیپلماتیک ثمربخش مطالبات دارد یا نه.

**ویژگی‌های یک مذاکره ثمربخش**

مهم‌ترین ویژگی‌ها و اصول مذاکره ثمربخش که می‌توان مذاکره ایران و آمریکا را براساس آن ارزیابی کرد، این‌گونه می‌توان خلاصه کرد:

**الف) تأمین منافع ملی:** در خصوص منافع ملی و مذاکره چند نکته را باید مدنظر قرار داد. اول، منافع حیاتی مانند امنیت ملی قابل مذاکره نیستند. دوم، در مورد منافع غیر حیاتی نیز در صورتی می‌توان مذاکره کرد که در مقابل منافعی به همان درجه اهمیت کسب کرد. سوم، در صورت تعارض منافع، منطقاً کسب منفعت مهم‌تر بر منفعت کم‌اهمیت‌تر اولویت و تقدم دارد. چهارم، بر پایه اصل صلحت، دفع ضرر و شر ملی بر جلب منفعت تقدم و اولویت دارد.

**ب) ماهیت برد – برد مذاکره و امکان منطقی منتفع شدن هر دو طرف:** مذاکره ثمربخش منطقاً باید هدفمند باشد و صرف مذاکره برای مذاکره نباشد؛ به گونه‌ای که طرفین برای تأمین اهداف و منافع مورد نظر خود وارد چانه‌زنی و بده و بستن بشوند. این هدف منطقی در صورتی تأمین می‌شود که اولاً، مذاکره متضمن باخت مطلق یک طرف و برد مطلق طرف دیگر نباشد؛ ثانیاً و مهم‌تر از آن، برنده و بازنده مذاکره با پیش می‌شود. مسلم و معین نباشد.

**ج) مذاکره ثمربخش باید از موضع قدرت باشد نه ضعف:** ورود به مذاکره از موضع ضعف و یأس، عملاً به معنای از پیش بازنده بودن خود و از پیش برنده بودن طرف مقابل است. از این رو، برای تأمین اهداف مذاکره همواره باید با اقتدار وارد آن شد و پشتوانه قدرت برای دیپلماسی داشت. در غیر این صورت، منافع مذاکره نکردن به مراتب بیشتر از مذاکره کردن است.

**د) به رسمیت شناختن موجودیت طرف مقابل:** عملاً و منطفا در صورتی دو طرف می‌توانند مذاکره کنند که حیات و بقای یکدیگر را به رسمیت بشناسند. اگر هدف یکی از طرفین از مذاکره سلب حیات و نفی موجودیت طرف دیگر باشد یا دست کم تلقی طرف مقابل این باشد، مذاکره از پیش شکست خورده خواهد بود.

**ه) به رسمیت شناختن منافع ملی به ویژه منافع حیاتی طرف مقابل با وجود اختلافات ایدئولوژیک، هویتی و منافع متعارض؛** معمولاً کشورها برای تأمین منافع متعارض با دیگری وارد مذاکره می‌شوند و به چانه‌زنی و بده و بستن می‌پردازند. از این رو، مذاکره دو طرف نباید متضمن نفی هویت، ایدئولوژی و منافع ملی و حیاتی طرف مقابل و تحمیل ایدئولوژی، هویت و منافع ملی خود باشد. چون این نوع مذاکره نیز عملاً دربردارنده پیش شرط‌های ضمنی است که مذاکره را بی‌ثمر می‌کند.

تطبیق وضعیت مذاکره ایران و آمریکا با این معیارها و اصول مذاکراتی مستلزم شکل‌گیری نوعی وفای ملی و اجماع حاکمیتی حول آنهاست؛ چون چگونگی و تعریف و تعیین میزان انطباق هر یک از این اصول ممکن است مورد اختلاف نظر باشد. از این رو، امروز بیش از هر زمان دیگری انسجام داخلی و وحدت ملی برای مواجهه ایجابی یا سلبی با پیشنهاد مذاکره با آمریکا ضروری و حیاتی است.

## عربستان زیر پرچم دریایی آمریکا!

یک منبع مسئول در وزارت دفاع عربستان تصریح کرد: ریاض تصمیم گرفته به ائتلاف بین‌المللی به اصطلاح تأمین امنیت و حمایت از دریاوردی و تضمین امنیت آبراه‌ها و گذرگاه‌های دریایی بپیوندد. به گزارش خبرگزاری رسمی عربستان (واس)، این ائتلاف بین‌المللی، تجارت جهانی و حمایت از منافع کشورهای شرکت‌کننده در ائتلاف را هدف خود قرار داده تا به این ترتیب امنیت و سلامت کشتی‌های تجاری که از گذرگاه‌ها عبور می‌کنند را تضمین کند. منطقه عملیات ائتلاف بین‌المللی موسوم به امنیت دریاوردی در خلیج فارس، تنگه هرمز، باب‌المندب و دریای عمان را پوشش می‌دهد.

# سفر

آرامکو؛ آرامش آمریکا را گرفت

# سفر نیویورک لغومی‌شود؟

واخبر رحمانی /گروه سیاست
Rahil.Rahmani@gmail.com

ضد و نقیض‌گویی‌های ترامپ، آمریکایی‌ها را هم کلافه کرده است! «پلهان عمر» نماینده مسلمان آمریکا در کنگره می‌گوید که «ایران اهمیتی به توثیق‌های ترامپ نمی‌دهد.» تناقض‌گویی‌ها، اعتبار توثیق‌ها را زیر سؤال برده است و البته این بار اولی نیست که شاهد این حجم از سرگردانی رئیس‌جمهور ایالات متحده در رابطه با ایران هستیم. در ماه‌های گذشته، بارها و بارها شاهد ابراز تمایل ترامپ به دیدار و گفت‌وگو با مقامات ایرانی بوده‌یم. پمپئو اعلام کرد که «بدون هیچ پیش شرطی» حاضر به گفت‌وگو هستند، اما ترامپ اخیراً با رد این موضوع گفت که هیچ‌گاه نگفته حاضر است بدون هیچ پیش شرطی با ایران گفت‌وگو کند! و این خبر را ساخته و پرداخته ذهن رسانه‌های جعلی دانست! در ماجرای سقوط پهباد آمریکایی به دست سپاه پاسداران کشورمان هم شاهد فاز تاز‌های از تناقض‌گویی‌های بی‌شمار پرزیدنت آمریکا‌یی بودیم. یه تهدیدهای جدی ابتدایی گرفت‌ه تا تشکر پایانی از جمهوری اسلامی به خاطر اینکه هوایم‌ای دارای سرتنشین آمریکایی را زده‌است! ترامپ در آن مقطع حتی درباره «حمله به ایران» هم مواضع متفاوتی گرفت. رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه تناقض‌گویی‌های خود مدعی‌ش شد که

تجربه برگزاری ۱۰ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان از آن دارد که مشارکت‌ها در دوره نوزدهم‌ناتانی داشته‌که البته این نوسانات در میزان مشارکت‌ها تابع عوامل مختلفی بوده‌است. تغییر قانون انتخابات در مؤلفه‌هایی چون میزان حدصاب آرا برای ورود به پارلمان، تغییر سن رای دهنندگان در دوره‌های مختلف و... از عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش میزان مشارکت است، اما تغییرات در میزان مشارکت تابع عوامل دیگری نیز هست، عاملی همچون «انگیزه بدنه رای برای حضور در انتخابات و میزان رد و تأیید صلاحیت کاندیداها». برخی تحلیلگران سیاسی بر این باورند که در هر دوره‌ای از انتخابات که میزان مشارکت بالاتر برود اصلاح‌طلبان (جناح چپ) پیروز آن انتخابات خواهند بود این در حالی است‌که زمینه و فضای رای‌آوری اصولگرایان (جناح راست) در جامعه زمانی فراهم است‌که انتخاباتی کم‌رق با مشارکت حداقلی وجود داشته باشد. ادعایی که اصلاح‌طلبان به جد به آن معتقدند، اما اصولگرا‌ها چندان اعتقادی به آن ندارند. بررسی میزان و درصد مشارکت‌ها در ادوار مختلف انتخابات مجلس سرچ‌ه تا حدی تئوری مشارکت بالا بر پیروزی اصلاح‌طلبان تأثیر گذار است را تأیید می‌کند مانند آنچه در انتخابات مجلس ششم یا دهم مشاهده شد، اما این گزاره‌اگر در کنار عواملی چون میزان رد صلاحیت‌ها گذاشته شود تا حدودی نقض می‌شود. در مجلس نهم یا اینکه مشارکت بالاتر از انتخابات مجلس قبل شد ولی عدم حضور فعال اصلاح‌طلبان در انتخابات نتیجه را به نفع اصولگرایان رقم زد.

یاد انتخابات مجلس پنجم که انتخاباتی استثنا در میزان مشارکت مردمی بود و با مشارکت بیش از ۲۴ و نیم میلیون شرکت‌کننده، جناح راست توانست اکثریت کرسی‌های پارلمان را از آن خود کند. نگاهی به انتخابات مجلس هشتم نیز نشان می‌دهد که در این دوره هم با کاهش نزدیک به یک و نیم میلیونی تعداد شرکت‌کنندگان نسبت به دور هفتم روبه‌رو بودیم به طوری که میزان مشارکت در ۹ درصد کاهش داشت، همین کاهش مشارکت البته باز هم به نفع اصولگرایان به پایان رسید به طوری که پیروز مجدد رقابت‌های انتخاباتی شدند. در انتخابات مجلس دهم آنجا که با افزایش سه میلیونی تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات نسبت به دور نهم روبه‌رو بودیم باز هم اصلاح‌طلبان دست بالا را در انتخابات داشتند. اگر چه عواملی همچون سن رای دهنندگان و شرط حد نصاب رای‌آوری و... بر میزان مشارکت مؤثر است، اما فاکتورهایی همچون رد صلاحیت نامزدهای یک جریان منجر به عدم مشارکت فعال بدنه رای آن جریان و در مواردی تحریم انتخابات شده است موضوعی که حتی تأثیر مستقیم بر نتیجه انتخابات داشته است، شاید از همین روست که سیاسیون اعتدالگرای چپ و راست بر این اعتقادند هرچقدر کاندیدا‌های دو جریان به شکلی حداکثری وارد میدان شوند انگیزه بدنه رای هر دو طیف برای حضور در پای صندوق‌های رای‌هم بالاتر می‌رود.

### اردوگاه احزاب

## گاهی اصلاح‌طلب، گاهی اصولگرا!

زهره ترسائی / گروه سیاست
Zohre.Tarsae@gmail.com

تجربه برگزاری ۱۰ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان از آن دارد که مشارکت‌ها در دوره نوزدهم‌ناتانی داشته‌که البته این نوسانات در میزان مشارکت‌ها تابع عوامل مختلفی بوده‌است. تغییر قانون انتخابات در مؤلفه‌هایی چون میزان حدصاب آرا برای ورود به پارلمان، تغییر سن رای دهنندگان در دوره‌های مختلف و... از عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش میزان مشارکت است، اما تغییرات در میزان مشارکت تابع عوامل دیگری نیز هست، عاملی همچون «انگیزه بدنه رای برای حضور در انتخابات و میزان رد و تأیید صلاحیت کاندیداها». برخی تحلیلگران سیاسی بر این باورند که در هر دوره‌ای از انتخابات که میزان مشارکت بالاتر برود اصلاح‌طلبان (جناح چپ) پیروز آن انتخابات خواهند بود این در حالی است‌که زمینه و فضای رای‌آوری اصولگرایان (جناح راست) در جامعه زمانی فراهم است‌که انتخاباتی کم‌رق با مشارکت حداقلی وجود داشته باشد. ادعایی که اصلاح‌طلبان به جد به آن معتقدند، اما اصولگرا‌ها چندان اعتقادی به آن ندارند. بررسی میزان و درصد مشارکت‌ها در ادوار مختلف انتخابات مجلس سرچ‌ه تا حدی تئوری مشارکت بالا بر پیروزی اصلاح‌طلبان تأثیر گذار است را تأیید می‌کند مانند آنچه در انتخابات مجلس ششم یا دهم مشاهده شد، اما این گزاره‌اگر در کنار عواملی چون میزان رد صلاحیت‌ها گذاشته شود تا حدودی نقض می‌شود. در مجلس نهم یا اینکه مشارکت بالاتر از انتخابات مجلس قبل شد ولی عدم حضور فعال اصلاح‌طلبان در انتخابات نتیجه را به نفع اصولگرایان رقم زد.

یاد انتخابات مجلس پنجم که انتخاباتی استثنا در میزان مشارکت مردمی بود و با مشارکت بیش از ۲۴ و نیم میلیون شرکت‌کننده، جناح راست توانست اکثریت کرسی‌های پارلمان را از آن خود کند. نگاهی به انتخابات مجلس هشتم نیز نشان می‌دهد که در این دوره هم با کاهش نزدیک به یک و نیم میلیونی تعداد شرکت‌کنندگان نسبت به دور هفتم روبه‌رو بودیم به طوری که میزان مشارکت در ۹ درصد کاهش داشت، همین کاهش مشارکت البته باز هم به نفع اصولگرایان به پایان رسید به طوری که پیروز مجدد رقابت‌های انتخاباتی شدند. در انتخابات مجلس دهم آنجا که با افزایش سه میلیونی تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات نسبت به دور نهم روبه‌رو بودیم باز هم اصلاح‌طلبان دست بالا را در انتخابات داشتند. اگر چه عواملی همچون سن رای دهنندگان و شرط حد نصاب رای‌آوری و... بر میزان مشارکت مؤثر است، اما فاکتورهایی همچون رد صلاحیت نامزدهای یک جریان منجر به عدم مشارکت فعال بدنه رای آن جریان و در مواردی تحریم انتخابات شده است موضوعی که حتی تأثیر مستقیم بر نتیجه انتخابات داشته است، شاید از همین روست که سیاسیون اعتدالگرای چپ و راست بر این اعتقادند هرچقدر کاندیدا‌های دو جریان به شکلی حداکثری وارد میدان شوند انگیزه بدنه رای هر دو طیف برای حضور در پای صندوق‌های رای‌هم بالاتر می‌رود.

## مخالفت ترامپ با طرح ارتش آمریکا علیه ایران

شبکه ان‌بی‌سی نیوز اعلام کرد، رهبران ارتش آمریکا گزینه‌های ممکن علیه ایران را مطرح کردند، اما رئیس‌جمهوری با طرح درگیری دوباره آمریکا در یک جنگ خارجی دیگر مخالفت کرد. دولت ترامپ در حال ارزیابی طیف وسیعی از گزینه‌های اقدام تلافی‌جویانه علیه ایران از جمله حمله سایبری یا حمله فیزیکی به تأسیسات نفتی ایران یا بلوکه کردن دارایی‌های این کشور است. در همین رابطه در جلسه امنیت ملی روز دوشنبه، رهبران ارتش آمریکا گزینه‌هایی از اقدامات احتمالی علیه ایران را به ترامپ ارائه کردند، اما رئیس‌جمهوری با مخالفت درگیری نظامی از رهبران ارتش درخواست گزینه‌های بیشتری کرد.

## سیاست NasleFarda.net

naslefordanews

nasfarda



صورت گرفته است.

باین وجود شبکه ان.بی.سی مدعی شد که مقامات رسمی آمریکا به این شبکه گفتند که دولت آمریکا در حال بررسی طیفی از اقدامات متقابل علیه ایران، از جمله حمله سایبری، حمله فیزیکی به پالایشگاه‌های ایران یا دارایی‌های سپاه پاسداران ایران است و در فکر جنگ نیست. در عین حال وزارت دفاع آمریکا در حال کار کردن بر روی گزینه‌هایی برای افزایش حضور آن در منطقه از طریق اعزام نیروها و ادوات نظامی بیشتر به خلیج فارس است.
فانر پالیسی هم نوشت که واشنگتن در تلاش برای کشیدن پرونده «آرامکو» به شورای امنیت است. گزیننده‌های روی میز آمریکا برای پاسخ به حمله آرامکو در حالی مطرح می‌شود که روز گذشته خبرگزاری «ایسنا» از ارسال پیام ایران به آمریکا از طریق سفارت تونس در تهران به عنوان حافظ منافع ایران در ایران خبر داد و نوشت که بر اساس شنیده‌های خبرنگار این خبرگزاری، ایران در این یادداشت اعلام کرد که در برابر هر اقدام آمریکا علیه خود واکنش نشان خواهد داد. تهران در این پیام

## مردم واقعاً کلافه هستند

برویژ سروری دبیر اجرایی شورای وحدت نیروهای انقلاب گفت: کشور در شرایط ویژه‌ای قرار دارد. مردم با مشکلات بسیار زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. برخی حتی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی با چالش‌های جدی مواجه هستند. در این اوضاع و احوال تحریک زود هنگام فضای سیاسی کشور با واکنش منفی افکار عمومی مواجه می‌شود چون مردم واقعاً کلافه هستند و آمادگی ورود به فضای انتخاباتی را ندارند. در این شرایط برخی جناح‌ها هم اگر بخواهند ورود زود هنگامی به این حوزه داشته باشند حتماً با واکنش تند مردم مواجه می‌شوند. در واقع به صلاح کشور نیست که تنور انتخابات رود داغ شود.

### یادداشت

افغانستان همچنان در انتظار آینده نامعلوم

### «جمهوری اسلامی» یا

### «امارت اسلامی»؟

قاسم توکلی / گروه سیاست
Ghasem.T@gmail.com

در حال حاضر طالبان که سخت از بی‌نتیجه ماندن ۹ دور مذاکرات فرساینده با آمریکا طی یک سال گذشته و دود شدن همه این زحمات با یک توثیق ترامپ به شدت عصبانی و تحقیر شده به نظر می‌رسند، تهدیدات و حملات خود علیه مراکز دولتی، شاهراه‌های مواصلاتی، اماکن نظامی و حتی شهرهای بزرگ را شدت بخشیده‌اند و در حال حاضر نبردهای سنگینی تقریباً در اکثر ولایت‌های افغانستان بین این گروه با ارتش افغانستان و «نیروهای حمایت قاطع» (حامیان بین‌المللی حکومت کابل) در جریان است. هم‌زمان نمایندگان گروه طالبان راهی مسکو و ایران شدند تا ضمن گشودن راه جدیدی دست داشتن این کشور در حمله به تأسیسات آرامکو عربستان را عجزا‌انه خواند و خواستار پرهیز از تشدید تنش‌ها شد، اما تنش‌ها بازهم بالاگرفته است و حتی ممکن است سفر نیویورکی رئیس‌جمهور و هیئت همراه هم لغو شود. با توجه به این که دولت آمریکا هنوز برای تیم جمهوری اسلامی ایران برای سفر به نیویورک ویزا صادر نکرده است و باید هیئت مقدماتی ایران پیش از این برای انجام مقدمات سفر عازم نیویورک بشود باشد، به علت عدم صدور ویزا تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است و ایران در حال تصمیم‌گیری در مورد انجام یا عدم انجام این سفر است. سفری که هنوز انجام نشده، کری می‌دوئسی گفته تیسیم محافظت حواسش باشد مبدا رئیس‌جمهور و همراهان. «تناقضی» در راهروهای سازمان ملل با مقامات آمریکایی رودرو شوند!

از سوی دیگر با وجود همه این موانع به نظر می‌رسد عزم مسافرت آمریکا در کابل برای برگزاری یک انتخابات جدید (به‌رغم ذیق وقت و شرایط وخیم امنیتی) جدی باشد چرا که جان اس اعلام کرده ایالات متحده آماده است تا ۲۹ میلیون دلار برای حمایت از امور عملیاتی انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بپردازد!

برسش‌هایی که در این شرایط مطرح می‌شود این است که چرا به‌رغم اینکه آمریکا حداقل طی یک سال گذشته بارها اعلام کرده‌است که اولویت این کشور در افغانستان به نتیجه رساندن روند صلح است، اما باز هم آن‌ها در این شرایط وخیم علاقه‌مند تن دادن به حتی یک «انتخابات بد» (به قول خودشان) در افغانستان هستند؟! پاسخ این سؤال را باید در ناکامی و شکست روند صلح با طالبان جست‌وجو کرد و اینکه کاخ سفید برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و احیای مشروعیت ملی و مردمی حکومت فعلی مستقر در کابل را

اهرم فشاری تیرومند علیه بلندپروازی‌های سیاسی طالبان در میز مذاکرات صلح می‌بیند. در حال حاضر چهار ماه از مهلت قانونی ختم دوره حکومت اشرف غنی گذشته است و این حکومت که تنها کنترل مؤثر حدود ۳۰ درصد قلمرو سرزمینی کشور را در اختیار دارد و هم‌زمان غرق فساد و فلاکت اقتصادی نیز هست، در وضعیت‌ترین و ناکارآمدترین دوره حاکمیت پنج‌ساله خویش به سر می‌برد و همین موضوعات می‌تواند از جمله مهم‌ترین دلایل انگیزه یافتن طالبان برای طرح حکومت بدلیس «امارت اسلامی» مطلوب خویش به جای حکومت «جمهوری اسلامی» ناکارآمد و ضعیف فعلی باشد!

آنچه مسلم است اینکه هم آمریکایی‌ها و هم طالبان مذاکرات صلح را کاملاً خاتمه یافته تلقی نمی‌کنند (چنان بس به دنبال توثیق ترامپ به رسانه‌ها گفت: «مذاکرات صلح نمرده است»)، اما در این شرایط کاخ سفید می‌کوشد با دمیدن آتش تازه در رگ‌های دموکراسی کم‌رق افغانستان و تقویت مجدد پایه‌های جمهورییت جدید دستاوردهای ۱۸ ساله اخیر، چینی‌ش جدید در میز مذاکرات آتی با طالبان ایجاد کند و برآمده از نظام جمهوری را جهت پس‌زدن ایده ارجاعی امارت خواهی طالبان وارد سرسخت کند.

از آن سو نیز طالبان می‌کوشد تا حد امکان نظام جمهورییت مستقر و هر آنچه بدان مربوط می‌شود را بی‌رحمانه نابود سازد تا مانع از برگزاری انتخابات در مناطق تحت کنترل خود شود و در سایر مناطق نیز با تهدید رای دهنندگان و حمله به مراکز رای‌دهی، پروژه مورد نظر آمریکا برای تقویت دوباره نظام جمهورییت در برابر امارت اسلامی را ناکام گماشته و با دست پر در دور بعدی مذاکرات صلح حضور یابد، روند تحولات سیاسی و نظامی طی دو هفته آینده نشان خواهد داد که کدام ایده موفقیت بیشتری را نصیب خود خواهد ساخت؛ ایده «جمهوری اسلامی» یا ایده «امارت اسلامی»!

### حاشیه

## صدا و سیما در دست «گاندوساز»‌ها!

رها سعادت / گروه سیاست
Raha.Saadat@gmail.com

گوش می‌رسد: یکی «علی فروغی» مدیر شبکه سوم سیما و دیگری، احسان محمدحسینی رئیس سازمان اوج، هر دو چهره هم با عملکرد ویژه خود در طول دوران کاری‌شان، حسایی خیرساز شده‌اند و گویا تعدمی در کار است تا چهره‌هایی که حاشیه دارند و بعضاً خط و ربط‌های سیاسی ویژه هم دارند، در پست‌های حساسی چون ریاست سازمان صدا و سیما به کار گرفته شوند! روزی که «علی‌عسگری» آمد، انتظار می‌رفت آرامش نسبی در صدا و سیما برقرار شود، اما روند حرکتی سازمان به گونه‌ای بود که نه تنها خبری از آرامش نسبی نبود بلکه هر روز اتفاقات تازه و بحث برانگیزی هم در سازمان رخ می‌داد. عملکرد علی‌عسگری انتقادات فراوانی را به دنبال داشت. در این سه سال تقریباً هیچ گروهی از وضعیت صداوسیما رضایت نداشته و این سازمان زیر تیغ تندترین انتقادات بوده است. حالا جنگ قدرت در صدا و سیما با ورود گروه‌های تازه‌نفس تر، وارد فاز‌های تازه‌تری هم شده است. یک گروه جوانانی هستند که مدعی انقلابی‌گری‌اند، اما در کنار آن به دنبال کسب قدرت در ساختار صداوسیما هم هستند؛ این گروه از اصولگرایان برآمده‌اند. دارای جایگاه و پایگاه مناسبی در نظام هستند، در ساختار قدرت نفوذ دارند و ابزار رسانه‌ای قابل توجهی هم دارند. منتقدان جدید مدیریت صداوسیما آرام‌آرام از ابتدای اسمال از لاک خود بیرون آمده‌اند تا اینکه چندی پیش شمشیر را ز رو کشیدند. پیشگام آن‌ها وحید جلیلی برادر سعید جلیلی و از فعالان فرهنگی اصولگرا است. او اخیراً مدیریت سازمان صداوسیما را «امافیایی» خوانده و تندترین انتقادات را نسبت به عبدالعلی علی‌عسگری، مرضی میرباقری (معاون سیما) و حسین محمدی (رئیس دفتر سیاسی بیت رهبری) مطرح کرد. پس از حمله آشکار وحید جلیلی به مدیریت سازمان صداوسیما، صف‌بندی‌های پنهان هم آشکار شد. عده‌ای طیف‌های قدرتمند اصولگرا پشت سر جلیلی ایستادند و عده‌ای دیگر پشت سر حسین محمدی، علی‌عسگری و... ایستادند. اگر وحید جلیلی و احسان محمدحسینی شورش کرده‌اند و حامیانی همچون محمدرضا زائری فعال فرهنگی شناخته شده اصولگرا را در کنار خود دارند، در طیف مقابل پرویز امینی روزنامه‌نگار و کارشناس سیاسی، مهدی محمدی از نویسندگان سابق روزنامه کیهان و وطن امروز، یاسر جبرائیلی از فعالان فرهنگی و رسانه‌ای اصولگرا و حتی علی فروغی مدیر شبکه سوم سیما به جدال با یاران وحید جلیلی رفته‌اند. رویارویی علنی دو طیف حتی مورد نقد شدید چهره‌های اصولگرا هم قرار گرفته است. در چنین شرایطی، محمدرضا زائری ریاست «حسینی» در صدا و سیما را مطرح و آرزوی کند امثال حسینی دوو رو بر اطراف بیت رهبری و رهبر انقلاب باشند. در حال حاضر شبکه افق در صداوسیما به نوعی تحت مدیریت موسسه لوج اداره می‌شود. شبکه‌های که برنامه‌های بسیار بحث برانگیز و چالش‌آفرین است. سرپال گاندو نیز محصول همین طیف است، و حالا می‌گوید یک «گاندوساز» در این خصوص در پای صندوق‌های صدا و سیما شود!



«کسینا سبوچاک» کاندیدای سابق ریاست‌جمهوری روسیه، با مراسم عروسی عجیبش در مسکو شگفتی آفرید. وی در حالی که با لباس عروس از اداره ثبت احوال با همسرش «فنسطنطین بوگومولوف» بیرون می‌آمد، سوار بر ماشین حمل‌مُرده سیاه شد که روی آن نوشته شده بود: تا وقتی مرگ ما را از هم جدا کند!